

صالح احمد العلی، ترجمه: آیتی، مشعر، ۱۳۷۵ش؛ العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش فؤاد سیر، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ غایة المرام باخبار سلطنة البلد الحرام: عبدالعزيز بن فهد المکی (م. ۹۲۰ق.)، به کوشش شلتوت، دار المدنی، ۱۴۰۶ق؛ الفهرست: ابن الندیم (م. ۴۳۸ق.)، به کوشش تجدد؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش السامرائی، مؤسسه الفرقان، ۱۴۲۲ق.

علی احمدی میرآقا



اخبار مکه ابن منده: از آثار گمشده تاریخ محلی مکه، نوشته عبدالرحمن بن محمد بن منده عبدی اصفهانی (م. ۴۷۰ق.)

ابوالقاسم عبدالرحمن بن ابی عبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن منده العبدی الاصفهانی، حافظ و محدث اصفهانی، به سال ۳۸۱ق. در اصفهان زاده شد.^۱ او و دیگر اعضای خاندانش را «ابن منده» لقب داده‌اند.

این کلمه لقب نیای آنان ابراهیم، فرزند نتیجه فیروزان بن چهار بخت است.^۲ گفته‌اند که فیروزان از صاحب منصبان لشکری ساسانیان بوده که در رویداد فتح اصفهان، اسلام آورده

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۲. المنتظم، ج ۱۶، ص ۱۹۴؛ تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۳۱.

است.^۳ لقب «عبدی» این خاندان از این روست که یحیی بن منده با زنی از بنی عبد یالیل ازدواج کرد.^۴ این خاندان دارای اصل ایرانی و مذهب حنبلی، دست کم از سده سوم تا هفتم ق. در اصفهان می‌زیسته^۵ و در دانش حدیث شهرت داشته‌اند.

منابع تاریخی، عبدالرحمن بن منده را بسیار ستوده و نام مشایخش را به تفصیل نوشته‌اند.^۶ او در جست‌وجوی دانش به شهرهای بسیار سفر کرد و در اصفهان، نیشابور، واسط، بغداد، مکه و دیگر شهرهای سرزمین‌های اسلامی از مشایخ فراوان حدیث شنید.^۷ نخستین استاد ابن منده، پدرش محمد (م. ۳۰۱ق.)^۸ از دانشوران سرشناس آن روزگار و نام‌آورترین دانشور خاندان ابن منده^۹ بود. ابن منده در گزارش حدیث بسیار وسواس داشت و جز بر شیوه اجازة، حدیثی روایت نمی‌کرد.^{۱۰} او از دانشورانی سرشناس مانند حاکم نیشابوری و زاهر بن احمد سرخسی اجازة روایت گرفت.^{۱۱} گفته‌اند به سنت سخت پایبند بود و

۳. تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۳۱.

۴. شذرات الذهب، ج ۴، ص ۵۰۵.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۹۷-۶۹۸ «ابن منده».

۶. المنتظم، ج ۱۶، ص ۱۹۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۴۹-۳۵۰.

۸. طبقات المحدثین باصفهان، ج ۳، ص ۴۴۲.

۹. نک: تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۳۲.

۱۰. تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۱۶۵.

۱۱. تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۱۶۵؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۵۱.

بیروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۶م؛ طبقات المحدثین باصبهان: عبدالله بن حبان (م. ۳۶۹ق.)، به کوشش عبدالغفور، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۲ق؛ الکامل فی التاریخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ کشف الظنون: حاجی خلیفه (م. ۱۰۶۷ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق؛ معجم ما الف عن مکه: عبدالعزیز السنیدی، ریاض، مکتبه الملک فهد، ۱۴۲۰ق؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و مصطفی عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.

ابراهیم احمدیان



اخبار مکه ازرقی: کتابی کهن در

تاریخ محلی مکه، نگاشته محمد بن عبدالله بن احمد بن محمد غسانی مشهور به ابوالولید ازرقی مکی

کتابشناسان، شرح حال نگاران و سیره نویسان با نام‌هایی گوناگون از این کتاب یاد کرده‌اند؛ همچون: اخبار مکه^۷، فضائل مکه^۸، تاریخ ازرقی^۹، اخبار مکه المشرفه، کتاب فضائل الکعبه^{۱۰}، کتاب مکه و اخبارها و جبالها و

۷. الانساب، ج ۱، ص ۱۲۲؛ العقد الثمین، ج ۲، ص ۴۹.

۸. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۰؛ البدایة و النهایه، ج ۲، ص ۲۳۵.

۹. تاج العروس، ج ۴، ص ۲۹۷.

۱۰. تاریخ التراث العربی، مج ۱، ج ۱، ص ۲۰۳.

با آن چه بدعت می‌شمرد، ستیز می‌کرد و در این راه از کسی باک نداشت.^۱ وی سرانجام به سال ۴۷۰ق. در اصفهان درگذشت و جمعیتی بسیار در تشییع جنازه او شرکت جستند.^۲ آثاری گوناگون را به ابن منده نسبت داده‌اند که برخی از آن‌ها اکنون در دست نیستند؛ مانند تاریخ اصبهان^۳ و اخبار مکه. کتاب اخیر گویا از آثار تاریخ محلی مکه بوده که گم شده و جز اشاره کوتاه سخاوی، از آن آگاهی در دست نیست.^۴ در پی سخاوی، سنیدی نیز از این کتاب یاد کرده است.^۵ منابع دیگری که به شرح حال و آثار عبدالرحمن بن منده، حافظ و محدث اصفهانی، پرداخته‌اند، از این اثر یاد نکرده‌اند.^۶

◀ منابع

الاعلان بالتویخ: شمس الدین السخاوی (م. ۹۰۲ق.)، به کوشش فرانس روزنتال، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ تذکره الحفاظ: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان،

۱. المنتظم، ج ۱۶، ص ۱۹۴.

۲. المنتظم، ج ۱۶، ص ۱۹۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۵۴.

۳. الکامل، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

۴. الاعلان بالتویخ، ص ۲۸۲.

۵. معجم ما الف عن مکه، ص ۵۸.

۶. نک: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۴۹-۳۵۵؛ کشف الظنون،

ج ۲، ص ۱۶۷۱-۱۶۷۲.